



بررسی وضعیت تعاونیهای زنان روستایی در ایران

○ نادره قاسمی* - مرجان واحدی**

چکیده

بدون شک مشارکت زنان روستایی در تعاونیها تأثیر به سزایی در توسعه فعالیت آنها و توسعه روستاها خواهد داشت. شواهد نشان می‌دهد که تا به حال مشارکت زنان روستایی در انواع تعاونیهای روستایی موجود (مختلط) در جهان به ویژه در کشورهای جهان سوم بسیار ناچیز بوده است. این مسأله باعث شده است که در سالهای اخیر موضوع تعاونیهای روستایی زنان در کشورهای جهان سوم مطرح شود. در کشور ما نیز از سال ۱۳۷۳ تعاونیهای خاص زنان روستایی ایجاد شده است. در این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اینترنت، آمار و گزارشات موجود، ابتدا موارد زیر مورد بحث قرار گرفته است:

- وضعیت زنان روستایی
- مفهوم شرکت تعاونی
- تاریخچه و انواع شرکتهای تعاونی در

روستاها

- وضعیت مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی و کشاورزی موجود و موانع مشارکت آنها و سپس ضرورت تشکیل این تعاونیها از دیدگاههای مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت وضعیت این تعاونیها در کشورمان توصیف و نتیجه بحث و پیشنهادات ارائه شده است.

نتایج نشان می‌دهد که این تعاونیها به دو دلیل اولاً مسائل فرهنگی و مذهبی تأثیر زیادی در مشارکت زنان روستایی کشورمان دارند و ثانیاً در این تعاونیها مدیریت به دست خود زنان است و آنها می‌توانند تا حدی مشکل مشارکت زنان روستایی را حل کنند ولی موفقیت آنها منوط به این است که تشکیل آنها براساس مطالعات علمی و دقیق بوده و تمام موانع مشارکت دیگر، غیر از موانع فرهنگی که با تشکیل این تعاونیها برطرف می‌شود نیز بررسی شده و از میان برداشته شود.

مقدمه

لازمه توسعه یک جامعه، توسعه منابع انسانی آن می‌باشد و بدین ترتیب و با توجه به اینکه زنان نیمی از منابع انسانی روستاها را تشکیل می‌دهند، توسعه یک روستا بدون در نظر گرفتن زنان در برنامه‌های توسعه، میسر نخواهد بود.

با توجه به نقش انکارناپذیر زنان روستایی در کشاورزی، خانواده و اقتصاد، زنان روستایی هم هدف و هم وسیله توسعه روستایی می‌باشند.

شواهد نشان می‌دهد که زنان روستایی نقش سازنده و مؤثری در فعالیتهای کشاورزی و تولیدی روستا ایفا می‌کنند ولی به دلایل گوناگون نقش آنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و بی‌توجهی به این قشر باعث شده است که آنان محرومترین قشر هر کشوری محسوب شوند. بدون شک مشارکت فعال زنان روستایی در تعاونیها به آنها کمک خواهد کرد که حقوق از دست رفته خود را باز یابند ولی

شواهد نشان می‌دهد که مشارکت این قشر در تعاونیها بخصوص در کشورهای جهان سوم بسیار کم می‌باشد. ضروری به نظر می‌رسد بررسی شود که وضعیت مشارکت زنان روستایی کشورمان در تعاونیهای کشاورزی و روستایی چگونه می‌باشد؟ و موانع و مشکلات مشارکت زنان روستایی در این تعاونیها چیست؟ و آیا ضروری است که زنان روستایی تعاونیهای خاص خود را داشته باشند؟ و آیا تشکیل تعاونیهای روستایی زنان در کشورمان مشکل مشارکت آنان را حل خواهد کرد؟

وضعیت زنان روستایی

در جهان به ویژه در جوامع روستایی و بخش کشاورزی همواره زنان بیشتر از مردان مورد ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند، این مسأله باعث شد تا سال ۱۹۷۵ میلادی به عنوان سال جهانی زن و دهه ۱۹۸۵-۱۹۷۶ از طرف سازمان ملل متحد به عنوان دهه زنان لقب گیرد. (۱، ص ۲۲۴)

زنان تنها یک دهم درآمد دنیا را دریافت نموده و کمتر از یک درصد داراییهای دنیا را در تصرف دارند (۱، ص ۲۲۶)

آمارها و ارقام مربوط به فعالیتهای زنان به دلایل گوناگون، واقعیتها را نشان نمی‌دهند. به دلیل اینکه بیشتر زنان در مقابل کارشان پول دریافت نمی‌کنند و فعالیتهای تولیدی آنها جزء کارهای خانه به حساب می‌آید و زنان خانه‌دار شمرده شده و از نظر اقتصادی غیرفعال محسوب می‌شوند. یکی از دلایل مهم دیگر که باعث می‌شود فعالیتهای زنان در آمارها دیده نشود، تعریف نادرست از اشتغال و کار مفید می‌باشد.

در سال ۱۹۳۸ کمیته‌ای، مرکب از کارشناسان آماری جامعه ملل «اشتغال مفید» را به این صورت تعریف کردند که اشتغال مفید شامل کسانی می‌شود که در مقابل کاری که انجام می‌دهند به طور مستقیم یا غیرمستقیم چه به صورت نقدی و چه به صورت جنسی پاداش دریافت می‌کند (۱، ص ۲۳۰).

در سال ۱۹۶۶ تعریف جدیدی از کار

ارائه شد که طبق این تعریف جمعیت فعال از نظر اقتصادی شامل تمام مردان و زنانی می‌شود که نیروی کار را برای تولید فراهم می‌کند. به دلیل اینکه در روستا کار خانگی زنان روستایی با کار تولیدی ایشان آمیخته است. این تعریف نیز باعث نخواهد شد که فعالیت زنان در آمارها دیده شود (۱، ص ۲۳۰).

آمار سال ۱۹۹۱ نشان می‌دهد که فقط حدود ۸/۵ درصد از زنان روستایی کشورمان به صورت اقتصادی فعال هستند ولی شواهد و تحقیقات نشان می‌دهد که این رقم در واقعیت خیلی بزرگتر است و زنان روستایی نقش فعالی در تولید محصولات غذایی، زراعی، ماهیان و دامهای اهلی مخصوصاً ماکیان‌داری، دارند (۲، ۱۶)

در ایران هر زن فعال روستایی روزانه ۳ تا ۵ ساعت و گاه تا ۸ ساعت از وقت خود را در امور مربوط به صنایع دستی صرف می‌کند. این قشر همچنین در کارهای زراعت و باغداری (وجین، تنک کردن، نشاگری، چسیدن و بسته‌بندی) مشارکت فعال دارند. در این بین هر زن سالانه از ۲۰ روز تا ۲ ماه روزانه از ۴ ساعت تا ۸ ساعت در امور زراعی به شوهر خود کمک می‌کند. همچنین ۴۰ درصد فعالیتهای کشاورزی به وسیله زنان روستایی انجام می‌شود و ۲۵ درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی را زنان روستایی ایجاد می‌کنند و حدود ۸۵ درصد فعالیتهای دامداری و صنایع دستی در روستاها توسط زنان اجرا می‌شود (۲، ص ۳۷)

زنان به ویژه زنان روستایی به دلایل گوناگون از خدمات آموزشی و ترویجی به ویژه آموزش کشاورزی، بهره‌ناچیزی می‌برند و یکی از عوامل تشدیدکننده عقب‌ماندگی زنان روستایی همین مسأله محرومیت از آموزش می‌باشد.

دو سوم از جمعیت یک میلیاردی بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند (۲، ص ۳۹).

معمولاً ترویج و آموزش کشاورزی در خدمت مردان است. زنان حتی در بعضی از کشورها که هشتاد درصد تولیدکنندگان غذا هستند، ولی تنها از ۲ تا ۱۰ درصد

امکانات برخوردار می‌شوند (۳، ص ۲۴).

مفهوم شرکت تعاونی

اولین شرط عملی شدن یک موضوع به صورت صحیح، شناخت دقیق و درست مفهوم آن است. بنابراین ابتدا باید ماهیت یک مسأله و قوانین و مسائل مربوط به آن را به درستی شناخت. افراد جامعه ما شناخت درستی از مفهوم تعاون ندارند و دیدگاه آنان نسبت به شرکتهای تعاونی دید نادرستی است!

تعاون در ذهن همگان مفهوم یک واحد اقتصادی توزیع‌کننده انواع کالاها و ارائه‌دهنده تسهیلات برای اعضا را پیدا کرده است (۴، ص ۱۴۲).

در اینجا به یک تعریف از شرکت تعاونی اشاره می‌شود:

«شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندیهای مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مطرح است، تشکیل می‌شود» (۴، ص ۲۵).

ناریخچه و انواع شرکتهای تعاونی در روستاها

در سال ۱۳۱۲ برای کوتاه کردن دست واسطه‌ها و رباخواران که حاصل تلاش کشاورزان را غارت می‌کردند، بانک فلاحت تشکیل شد و چون ضوابط بانکی مانع از رسیدن به اهداف موردنظر شد. این بانک در سال ۱۳۲۵ در مراکز بعضی شهرها، صندوقهای تعاونی روستایی برای اعطای وام و تسهیلات به کشاورزان تأسیس کرد. مشکلات و موانع موجود در زمینه استفاده روستاییان از تسهیلات این صندوقها باعث شد تا در دهه ۱۳۴۰ شرکتهای تعاونی روستایی تشکیل شدند و با افزایش این شرکتهای، دولت سازمان مرکزی تعاون روستایی را تحت نظر وزارت کشاورزی ایجاد کرد.

این سازمان به صورت شرکت سهامی با سرمایه اولیه ۱/۳۴۱ میلیارد ریال مشتمل بر ۱۳۴۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی برای مدت نامحدود تشکیل شد و در حال حاضر با هدایت، حمایت و نظارت بر

مرکزی انجام شده است که نتایج آن به عبارت زیر است (۸، ص ۲۶۷):

- در این استان از کل جمعیت زنان روستایی بالای ۱۵ سال، تنها ۲/۳ درصد عضو تعاونیهای روستایی هستند.

- در این استان هر عضو به طور متوسط تنها ۱/۴۳٪ مشارکت اقتصادی با تعاونی روستایی مربوط به خود دارد که رقم بسیار پایینی است که این رقم نیز به دریافت وام متکی است.

- زنان کوچکترین دخالتی در مدیریت تعاونیهای روستایی ندارند و شرکت آنها در مجامع عمومی در حد صفر است.

- در زمینه مشارکت اجتماعی و فرهنگی، این تحقیق نشانگر عدم مشارکت مطلق زنان در زمینه آموزش با تعاونیهاست.

- شاخص نسبی کل مشارکت زنان عضو در تعاونیهای روستایی ۰/۳۲٪ شده است.

به عبارتی هر زن عضو، به طور متوسط تنها ۰/۳۲٪ (نسبت به ۱۰۰٪ ممکن) با شرکت تعاونی خود مشارکت فعال^۱ دارد که این رقم در واقع بسیار نزدیک به صفر بوده و با عدم مشارکت را بیان می‌کند.

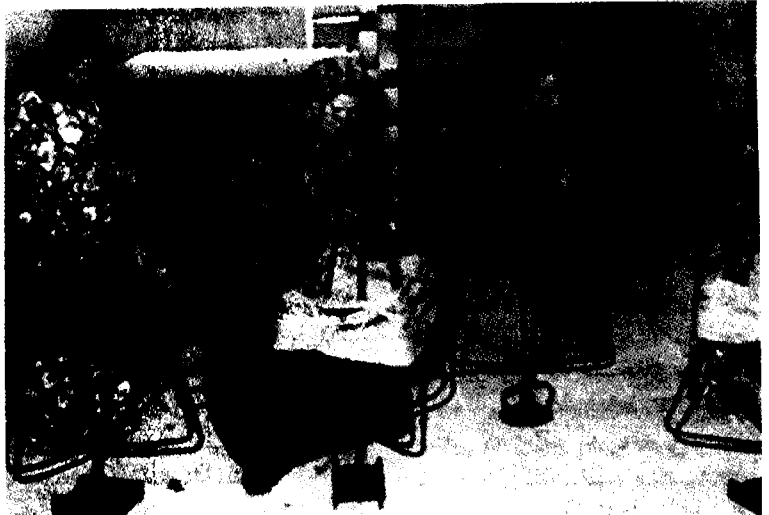
موانع اصلی مشارکت زنان روستایی در تعاونیها

موانع زیادی وجود دارد که مانع از عضویت و مشارکت فعال زنان روستایی در تعاونیهای کشاورزی و روستایی می‌شوند. در نتیجه زنان روستایی از منافع شرکت در تعاونیها محروم می‌شوند. در زیر به چند تا از موانع اصلی اشاره می‌شود.

الف - بی‌سوادی و ناآگاهی زنان روستایی: زنان روستایی درصد بیشتری از جمعیت بی‌سواد روستایی را تشکیل می‌دهند.

ب - فرهنگ و رسوم سنتی حاکم در روستاها: عقاید و رسوم سنتی حاکم در جوامع روستایی به خصوص در کشورهای جهان سوم مانع از مشارکت زنان در تعاونیها می‌شود و باعث شده که زنان از پایگاه اجتماعی پایینی نسبت به مردان برخوردار باشند.

ج - قوانین: البته قوانین تعاونی به خودی خود موجب تبعیض برای زنان



تعاونیهای روستایی زنان می‌توانند با آموزش دادن روش‌های تصمیم‌گیری گروهی و افزایش روحیه خوداتکایی و اعتماد به نفس در زنان، آنها را برای توسعه مشارکتی آماده کنند و تعاونیهای زنان موفق برای مردان و زنان شکاک ثابت خواهند کرد که زنان قادر هستند فعالیت خویش را توسعه دهند و می‌توانند مشارکت‌کنندگان با ارزش در جوامع مختلط باشند.

تعاونیها تأثیری ندارند و زن و مرد باید از فرصت یکسانی برای مشارکت در تعاونیها برخوردار باشند.

بنابراین علی‌رغم اینکه عضویت زنان در تعاونیها هیچ منع قانونی ندارد، آمار و شواهد نشان می‌دهد که در کل دنیا به خصوص در کشورهای جهان سوم عضویت زنان در تعاونیها بسیار ناچیز است. این مسأله در تعاونیهای روستایی و کشاورزی شدت بیشتری دارد.

در کشور ما به طور متوسط در هر تعاونی ۱۷۷ نفر مرد و ۱۹ نفر زن عضویت دارند. به عبارت دیگر به ازای هریک نفر زن، ۹ نفر مرد در تعاونیها عضویت دارند (۷، ص ۱۱۳).

برای بررسی چگونگی مشارکت زنان عضو در این تعاونیها تحقیقی در استان

حدود ۵۰۰۰ شرکت تعاونی شامل شرکت تعاونی روستایی، کشاورزی و زنان و ۳۰۴ اتحادیه تعاونی روستایی و کشاورزی شهرستان و ۲۷ اتحادیه تعاونی استان نقش حیاتی در اقتصاد روستا و کشاورزی ایفا می‌کند (۶، ص ۲۶۸).

وضعیت مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی و کشاورزی موجود (مختلط)

مفهوم مشارکت عبارت است از حق نامحدود هر فرد برای سهمی شدن برابر با سایر اعضا در بهره‌گیری از خدمات و توزیع منافع و تصمیم‌گیری در درون تعاونی» (۳، ص ۲۹). طبق اصول نهضت تعاون مسائلی از جمله جنسیت، امتیازات اجتماعی، نژادی، سیاسی و مذهبی مطلقاً در نحوه عضویت افراد در

روند با شناخت بیشتر جامعه روستایی، به ویژه زنان روستایی، طرز تفکر، نظرات و انگیزه‌های آنها در مورد این گونه تعاونیها مشخص شود (۴، ص ۱۴۳).

انصاری (۵، ۱۳۱) می‌نویسد: ضرورت تشکیل تعاونیهای زنان روستایی بستگی به مطالعات مسوردی و منطقه‌ای در زمینه‌های زیر دارد:

۱- بررسی میزان استقلال اجتماعی، فرهنگی زنان در جامعه روستایی و در هر منطقه.

۲- بررسی و شناخت دقیق حوزه‌های کار و فعالیت اقتصادی و غیراقتصادی زنان روستایی که زن در حوزه عامل و عنصر اصلی و تعیین‌کننده است یا تنها عنصر دخیل و درگیر آن می‌باشد.

۳- بررسی و انتخاب اصلح بین تعاونی و سایر اشکال سازمانی ممکن، باید انجام گیرد.

۴- بررسی و تعیین دقیق هدف یا هدف‌های تشکیل تعاونی.

۵- بررسی و حل تناقض بین زندگی سنتی و کسار در بخش غیررسمی و مشارکت در سازمان رسمی.

معروفی (۱۲، ص ۱۴) در طرحی که برای ایجاد تعاونیهای زنان روستایی پیشنهاد داده، می‌نویسد: شرکت زنان روستایی ایران در تعاونیهای خودشان، می‌تواند به عنوان وسیله و هدف هر دو تلقی گردد. این حضور وسیله‌ای است، بدین معنی که عضویت آنان در تعاونیها موجب برخورداری آنها از خدماتی است که به آنها نیاز دارند و تعاونی می‌تواند در اختیار آنان قرار دهد. همچنین این عضویت هدف است، بدین معنی که از طریق عضویت در تعاونی آنان به سکوی دسترسی خواهند داشت که می‌تواند تصمیم‌گیرندگان مسائل مختلف را به نیازها و مسائل آنان واقف گرداند.

معروفی همچنین می‌نویسد: در کشوری چون ایران که اعتقادات فرهنگی و مذهبی، نفوذ عمیقی در نحوه رفتار اجتماعی افراد دارد، تعاونی زنان روستایی مسلماً می‌تواند از تعاونیهای مختلط مورد استقبال بیشتری قرار گیرد و زنان روستایی را بیشتر و مؤثرتر جذب نماید. لذا اجرای این پروژه از لحاظ فرهنگی

فعالیت‌های دیگر به مردان وابسته می‌گرداند. از طرف دیگر در تعاونیهای مختلط، حضور زنان عضو در اداره و نظارت بر تعاونی غیرعملی است و تلاش زنان مقرون به توفیق نبوده است (۳، ص ۵۵).

جدی‌ترین مشکلی که تعاونیهای زنان روستایی اعم از تعاونیهای کشاورزی و غیره با آن روبرو هستند، عبارت است از فقدان تجربه و کمبود آگاهی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، بازرگانی، نارساییهای مربوط به مدیریت، محدودیت امکانات مالی و بازاریابی و آموزش و بالاخره ناچیز بودن حمایت‌های مالی و فنی (۳، ص ۴۵).

تعاونیهای روستایی زنان می‌توانند با آموزش دادن روش‌های تصمیم‌گیری گروهی و افزایش روحیه خوداتکایی و اعتماد به نفس در زنان، آنها را برای توسعه مشارکتی آماده کنند و تعاونیهای زنان موفق برای مردان و زنان شکاک ثابت خواهند کرد که زنان قادر هستند فعالیت خویش را توسعه دهند و می‌توانند مشارکت‌کنندگان با ارزش در جوامع مختلط باشند (۱۶).

عامل هاشمی و آفاجان نوری در این رابطه می‌نویسند: اخیراً خیر از تشکیل تعاونیهای زنان روستایی در کشورمان می‌دهند. در حالی که تعاونیهای روستایی موجود پس از سی سال فعالیت هنوز خوداتکا نیستند و کمک‌های گوناگون دولت به این تعاونیها و توزیع برخی نهاده‌ها، سوخت و مایحتاج عمومی روستاییان از طریق این تعاونیها آنها را سرپا نگهداشته و روستاییان را به عضویت در آن تشویق کرده است. کلمه تعاون و تشکیل تعاونی معنایی دیگر دارد و هدف از تشکیل تعاونیها آنچه مشاهده می‌کنیم، نبوده است. شکل‌گیری منطقی و خودجوش تعاونیها مسأله مهمی است که باید در نظر گرفت (۴، ص ۱۳۸).

و همچنین می‌نویسند: پیش از آنکه اعتبارات دولت در فرایندی هزینه شود که می‌تواند راه «تجربه و خطا» تلقی شود نه روش برنامه‌ریزی مستند به اطلاعات کافی، باید سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مناسب طراحی شود و هدایت صحیح این

نمی‌شوند و در این قوانین نکته‌ای به چشم نمی‌خورد که زنان را از شرکت در تعاونی باز دارد، اما سازمانها و مقامات تعاونی ترجیح می‌دهند عضویت تعاونی را به متقاضیانی اعطا کنند که مالک زمین باشند. از سوی دیگر می‌دانیم که عموماً زنان به ندرت ممکن است زمینی را در اختیار خود داشته باشند. البته در قوانین املاک چنین امتیازی قید نشده است که مالک می‌تواند در تعاونی عضویت یابد. اما براساس سنت، زمین موردنیاز است، زیرا به اتکای بر آن می‌توان وام گرفت و در عین حال سند پایگاه اجتماعی نیز هست (۳، ص ۴۸).

د - دسترسی کمتر زنان به تسهیلات و امکانات: زنان روستایی به دلایل گوناگون نسبت به مردان دسترسی کمتری به تسهیلات مالی، امکانات و ابزار دارند.

بررسی ضرورت تشکیل تعاونیهای روستایی زنان

در اروپا و آمریکای شمالی زنان یا به پای مردان با تعاونیها همکاری دارند ولی در کشورهای جهان سوم به دلیل مسائل فرهنگی و مذهبی که حضور زنان را در کنار مردان پسندیده نمی‌داند، زنان حضور بسیار کم‌رنگی در تعاونیهای مختلف روستایی دارند. به نظر می‌رسد در کشورهای جهان سوم برای حل مسأله ذکر شده، تعاونیهای جدید زنان روستایی را ایجاد کرده‌اند. اما باید در نظر داشت که تحقیقات گوناگون نشان داده‌اند که مسائل فرهنگی و اجتماعی تنها یکی از دلایل عدم مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی می‌باشد.

در این قسمت نظرات و دیدگاههای مختلف محققین را در رابطه با ضرورت تشکیل این تعاونیها بررسی خواهیم کرد. «لمینگ» در این رابطه می‌نویسد، برخی از کارشناسان اصرار می‌ورزند که زنان باید تعاونی مخصوص خود را بنیاد نهند. در حالی که عده‌ای از متخصصان اعتقاد دارند که تنها جدا کردن زنان از مردان در زمینه تعاونی، مقرون به مصلحت نیست، زیرا امکانات زنان از لحاظ دسترسی به منابع بیش از پیش محدود و زنان را در تصمیم‌گیری و

که عضو تعاونیهای کشاورزی هستند ۵/۷۲ میلیون نفر در ۴۶۰۰ تعاونی است. هند: هند بزرگترین جنبش تعاونی را در دنیا داشته است. لکن هنوز غالباً مردان سرپرست خانوار اعضای تعاونیها را تشکیل می‌دهند بنابه گزارشهای رسیده زنان عضو تعاونیهای خدمات اعتباری روستا هستند. و در بعضی از تعاونیهای لبنیات، عضویت زنان قابل ملاحظه است. تعداد تعاونیهای زنان در هند ۴۴۰۰ تعاونی با ۲۲۱۰۰۰ عضو است.

مصر: در مصر، عضویت تعاونیهای کشاورزی در انحصار مردان است. اگر چه هیچگونه منع قانونی برای پذیرفتن زنان وجود ندارد، اما فرهنگ و آداب و رسوم، زنان را برای عضویت در تعاونیها تشویق نکرده است.

وضعیت تعاونیهای روستایی

زنان در ایران

در کشورمان براساس پیشنهاد و ارائه طرح ایجاد تعاونیهای روستایی زنان از طرف دکتر پروین معروفی، مدیر دفتر ترویج فعالیت‌های زنان روستایی و با حمایت‌های دفتر امور زنان ریاست جمهوری، اساستنامه خاص تعاونیهای روستایی زنان مشتمل بر ۷۶ ماده و ۳۹ تبصره در دی ماه ۱۳۷۲ به همت سازمان مرکزی تعاون روستایی در وزارت کشاورزی (سابق) تهیه و تصویب شد. (۱۲)

در سازمان مرکزی تعاون روستایی اداره‌ای تحت عنوان اداره توسعه و آموزش تعاونیهای روستایی زنان در اداره کل آموزش سازمان ایجاد شده است که وظیفه هماهنگی و حمایت از تعاونیهای روستایی زنان را بر عهده دارد. (۱۲)

از جمله ویژگیهای

صنایع دستی، پس‌انداز و اعتبار را تشکیل داده‌اند. در انگلستان زنان بنیانگذار تعداد بیشماری از تعاونیهای کارگری کوچک هستند، در فنلاند و سوئد تعاونیهای جدیدی در حال شکل‌گیری است، که با ابتکار زنان تأسیس شده‌اند. (۱۰، ص ۶۱).

وضعیت تعاونیهای زنان روستایی در کشورهای زیر براساس اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله سازمان جهانی خواروبار کشاورزی (۱۹۸۳) به شرح زیر است: (۱۱، ص ۲۹)

ژاپن: اگرچه بیشترین کار در روستاهای ژاپن به وسیله زنان انجام می‌گیرد، لکن تعداد زنان عضو تعاونی کشاورزی مجتمع زنان (که در کنار و مستقل از تعاونیهای کشاورزی کار می‌کنند) ۲/۶۵ میلیون نفر در ۳۸۰۹ انجمن می‌باشد در حالی که تعداد مردانی

مشکلی ندارد. بررسی نظرات گوناگون محققین و طرح پیشنهاد شده برای ایجاد تعاونیهای زنان روستایی نشان می‌دهد که تشکیل این تعاونیها بر پایه مطالعه درست و همه جانبه که جوامع روستایی، زنان روستایی و موانع مشارکت آنان را بررسی کند، نبوده است و ضرورت ایجاد این تعاونیها بررسی نشده است و بنظر می‌رسد که در ایجاد این تعاونیها بیشتر از بین بردن موانع فرهنگی مشارکت زنان روستایی مد نظر بوده است.

وضعیت تعاونیهای زنان روستایی در جهان

همانطور که در مطالب قبلی اشاره شد، در اروپا و آمریکای شمالی زنان پا به پای مردان با تعاونیها همکاری می‌کنند و تشکیل تعاونیهای خاص زنان در شهرها و روستاهای کشورهای جهان سوم مطرح شده است. در آفریقا، مشارکت زنان در تعاونیهای مختلف به دلیل موانع فرهنگی و قانونی از جمله عدم مالکیت زمین و عدم دسترسی به امتیازات اعتباری و غیره در سطحی پایین‌تر قرار دارد، لذا برای حل این مشکل تعاونیهای مختص بانوان تأسیس شده است و در آنها برای زنانی که فاقد سرمایه تولیدی می‌باشند امتیاز تأسیس شرکتیهای تعاونی صادر شده است. در این تعاونیها آنان خود گرداننده و مالک هستند. انجمن زنان خود اشتغال (SEWA) در کجرات هند فعالیت تعاونیهای زنان را در زمینه‌های صنعتی، زراعی، پرورش دام، تجارت در بخش‌های خدماتی سازماندهی کرده است. (۱۰، ص ۶۱۱) در اوگاندا زنان روستایی تعاونیهای کشاورزی،



تشکیل این شرکتها که در اساسنامه ذکر گردیده انتخاب مدیر عامل و اعضا هیأت مدیره زن از بین زنان روستایی حوزه عمل و ساکن در روستا می‌باشد. در این تعاونها زنان طرحهایی را ارائه می‌دهند و سازمان طرحها را مورد بررسی قرار می‌دهد. و سپس از طریق در اختیار گذاشتن وام، این طرحها توسط

روستاییها اجرا می‌شود. در این تعاونها هیچ قولی مبنی بر مساعدت مالی به زنان روستایی داده نشده است و خود زنان به عنوان حق عضویت مبلغی را پرداخت می‌کنند و این سرمایه روی هم جمع می‌شود و سازمان مرکزی تعاون روستایی نقش حمایت، هدایت و نظارت بر این تعاونها را ایفا می‌کند. بعد از رسیدن به مرحله تولید، وام‌های خود را بازپرداخت می‌کنند. (۱۳)

از بدو تأسیس این شرکتها تا پایان سال ۱۳۸۰، تعداد ۱۳۰ شرکت تعاونی زنان روستایی با ۲۶۹۸۱ نفر عضو ۲/۶۰۴/۰۲۷/۶۰۰ ریال سرمایه در سطح کشور ایجاد شده است. سازمان مرکزی تعاون روستایی اهداف تشکیل این تعاونها را به شرح زیر بیان می‌کند:

- ایجاد امکان فعالیت گروهی و استفاده از توان جمعی

- برخورداری زنان روستایی از شخصیت حقوقی در قالب فعالیتهای جمعی و گروهی

- ایجاد اشتغال در خانوارهایی که زنان سرپرستی آنها را به عهده دارند.

- دسترسی به اعتبارات و امکانات در قالب تعاونی و بهره‌برداری از ابتکارات همزمان موجود در آنها

- فراهم آوردن امکانات آموزش موجود جهت ارتقای سطح دانش و بینش آنها (۶، ص ۷۶۹)

بطور کلی شرکتهای تعاونی روستایی زنان در حال حاضر به فعالیتهایی همچون صنایع دستی (ورنی بافی، کپوبافی، حصیربافی، نواربافی، قالی بافی، گیوه بافی،

در آفریقا، مشارکت زنان در تعاونیهای مختلط به دلیل موانع فرهنگی و قانونی از جمله عدم مالکیت زمین و عدم دسترسی به امتیازات اعتباری و غیره در سطحی پایین تر قرار دارد، لذا برای حل این مشکل تعاونیهای مختص بانوان تأسیس شده است و در آنها برای زنانی که فاقد سرمایه تولیدی می‌باشند امتیاز تأسیس شرکتهای تعاونی صادر شده است.

خیاطی، گلدوزی، بافتنی و غیره) صنایع غذایی و تبدیلی بسته بندی محصولات کشاورزی، نوغانداری، گیاهان دارویی، عرق‌گیری، ایجاد مهندکودک، ایجاد فروشگاه مصرف، رشته‌بری و نانوبی و... مشغول هستند. (۱۴، ص ۳)

نتیجه‌گیری

با توجه به نقش مهم زنان روستایی در کشاورزی و فعالیتهای تولیدی، مشارکت آنان در تعاونیهایی که طبق اصول صحیح تأسیس شده باشند از یک طرف باعث تسریع توسعه کشاورزی و از طرف دیگر باعث توسعه این قشر محروم خواهد شد. علی‌رغم تأثیر بسزایی که تعاونها می‌توانند در توسعه روستایی داشته باشند، مشارکت زنان روستایی به دلایل گوناگونی از قبیل مسائل فرهنگی و مذهبی، نگرش منفی مردان به زنان، دسترسی کمتر به منابع مالی و امکانات، موانع قانونی و عدم استقلال زنان، در تعاونیهای کشاورزی و روستایی موجود (مختلط) مشارکت بسیار ناچیزی دارند. بنابراین وزارت کشاورزی در سال ۱۳۷۳ برای حل این مشکل، تعاونیهای خاص زنان روستایی را ایجاد کرده است. قابل ذکر است که در مورد میزان موفقیت این تعاونها به دلیل اینکه تاکنون هیچ تحقیقی در زمینه عملکرد و اثربخشی آنها صورت نگرفته است نمی‌توان قضاوت صحیح کرد اما بررسی منابع و اسناد گوناگون نشان‌دهنده آن است که تشکیل این تعاونها در کشورمان بر اساس برنامه‌ریزی صحیح که متکی به مطالعه و بررسی همه جانبه جوامع روستایی، زنان روستایی و موانع

مشارکت آنان باشد نبوده است. بنظر می‌رسد در تشکیل این تعاونها بیشتر حل یکی از موانع مشارکت زنان روستایی که مسائل فرهنگی و اجتماعی (مانند حضور زنان در جمع مردان) می‌باشد، مد نظر بوده است.

با توجه به اینکه

این مسائل تنها یکی از دلایل عدم مشارکت زنان روستایی در تعاونها می‌باشد، نباید انتظار داشت که با ایجاد این تعاونها مشکل مشارکت آنان حل خواهد شد، بلکه ممکن است مسائلی از قبیل افزایش هزینه و گوشه‌گیر شدن بیشتر زنان را به دنبال داشته باشد. این تعاونها به دو دلیل عمده اولاً اینکه مسائل فرهنگی و مذهبی تأثیر زیادی در مشارکت زنان روستایی کشور ما دارند و ثانیاً در این تعاونها مدیریت و اداره تعاونها بدست خود زنان روستایی است. به نظر می‌رسد نتوانند مشکل مشارکت زنان روستایی را تا حدی حل کنند اما موفقیت این تعاونها منوط به این است که دیگر موانع مشارکت از قبیل عدم آگاهی زنان، موانع فرهنگی و قانونی، عدم دسترسی زنان به امکانات و تسهیلات و غیره نیز به طور اساسی مورد بررسی قرار گرفته و از بین بروند.

پیشنهادات

با توجه به مباحث قبلی و نتایجی که بدست آمده پیشنهاد می‌شود که ضرورت تشکیل این تعاونیهای جدید باید براساس مطالعه همه جانبه و عمیق از جوامع روستایی، طرز تفکر انگیزه‌های زنان روستایی، تعاونیهای موجود و موانع مشارکت در هر منطقه بررسی باشد و در صورتی که تشکیل این تعاونها در یک منطقه‌ای ضرورت داشته باشد، برای موفقیت این تعاونها، موارد زیر باید در نظر گرفته شود:

۱- اصل و پایه تعاونها خودجوش

اقتصاد کشاورزی. ص ۱۳۸.

۵- انصاری، حمید (۱۳۷۴): تعاونیهای زنان روستایی ضرورت، یا موج « اقتصاد کشاورزی و توسعه (ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی) تهران. مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی. ص ۱۲۱.

۶- دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون (۱۳۷۹): کتاب سال راهنمای کشاورزی ایران. تهران. وزارت کشاورزی.

۷- دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون (۱۳۷۹): «تحلیلی بر عضویت زنان در شرکتهای تعاونی و وضعیت تعاونیهای زنان (با بیش از ۵۰٪ عضو زن) از ابتدا تا ۱۳۷۹/۶/۴». مجله تعاون. تهران. وزارت تعاون ۱۳۰. ص ۹.

۸- طه، مهدیه و هومن میرعابدینی (۱۳۷۶): «مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی». مجموعه مقالات گرد همایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰ تهران. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه (نشریه شماره ۳).
۹- معروفی، پروین (۱۳۷۱): «تعاونیهای زنان روستایی». زیتون. تهران. وزارت کشاورزی. ۱۱۳. ص ۱۴.

۱۰- النا شاور، ماریا (۱۳۷۵): «نقش اتحادیه بین المللی تعاون، در توسعه تعاونیهای ویژه زنان». اداره امور بین الملل وزارت تعاون، تهران. وزارت تعاون، ص ۶۰.

۱۱- فعالی، مهناز (۱۳۷۳): «تشکیل تعاونیهای زنان روستایی به عنوان بگ ضرورت» زیتون. تهران، وزارت کشاورزی. ۱۲۲. ص ۲۶.

۱۲- سازمان مرکزی تعاونی روستایی و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی (۱۳۷۹): «تعاونیهای روستایی زنان، اهداف و فعالیتها» (جزوه منتشر نشده).

۱۳- توحید، لیلیا (۱۳۷۶): «نقش شرکتهای تعاونی روستایی زنان در توسعه». خلاصه مقالات سمینار بررسی نقش زنان در توسعه روستایی.

۱۴- سازمان مرکزی تعاون روستایی (۱۳۷۸): «اهم اقدامات انجام شده توسط اداره توسعه و آموزش تعاونیهای روستایی زنان از بدو تأسیس تا پایان ۱۳۷۸» (جزوه منتشر نشده).

15. World Bank Atlas (1994): Iran-women. Agriculture and rural development: www.Fao.Org/docrep/79103ee.htm

16. Sustainable Development Department (SD), (FAO). (1996): The Gender Dimension in rural (cooperative): www.fao.org/sd/rodirect/Roan0008.Htm. ●

جدی ترین مشکلی که تعاونیهای زنان روستایی اعم از تعاونیهای کشاورزی و غیره با آن روبرو هستند، عبارت است از فقدان تجربه و کمبود آگاهی در زمینه فعالیتهای اقتصادی، بازرگانی، نارساییهای مربوط به مدیریت، محدودیت امکانات مالی و بازاریابی و آموزش و بالاخره ناپیچ بودن حمایتیهای مالی و فنی.

همچنین مسؤلین و مدیران این تعاونیها برای استفاده از تجربیات و امکانات تعاونیهای روستایی موجود، با آنها ارتباط دائم داشته باشند.

پی نوشتها:

* نادره قاسمی: دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی کرج، دانشگاه تهران

* مرجان واحدی: دانشجوی کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

۱- منظور از مشارکت فعال در این تحقیق، عضویت زن همراه با حضور مؤثر و ارتباط با تعاونی در سه زمینه اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی بوده است.

منابع:

۱- درخشان، حسن (۱۳۷۴): «بررسی نقش زنان روستایی در اقتصاد کشاورزی و موفقیت آنان در برنامه های توسعه کشور». زن، علم، صنعت، و توسعه (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه)، تهران. دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، چاپ اول. ص ۲۲۳.

۲- بیکزاد، جعفر (بهمن ۱۳۷۶): «تعاونیهای زنان کلید مشارکت و بهبود موفقیت آنان در توسعه» مجله تعاون. تهران، وزارت تعاون. ۷۷. ص ۳۶.

۳- لمینگ، جی. ران (۱۳۷۵): «مشارکت زنان در تعاونیهای روستای پروین معروفی تهران. بانو، چاپ اول

۴- عامل هاشمی، صدیقه و نسرین آقاجاری نوری (۱۳۷۴): «مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی». اقتصاد کشاورزی و توسعه (ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی). تهران. مرکز مطالعات برنامه ریزی و

بودن آنهاست که باید در نظر گرفته شود، دولت نباید این تعاونیها را تشکیل بدهد بلکه باید زمینه تشکیل آنها را فراهم کرده و آنها را حمایت و هدایت کند. یعنی باید فلسفه تعاون و اثراتی را که در زندگی زنان روستایی خواهد داشت را به آنان آموزش دهد تا اینکه آنان احساس نیاز کرده، انگیزه پیدا کنند و خود داوطلبانه این تعاونیها را ایجاد کنند.

۲- همواره در یک منطقه با تحقیق و مطالعه، می توان موانعی را که مانع مشارکت زنان در این تعاونیها می شوند را کشف کرده و از بین برد.

۳- قبل از تشکیل این تعاونیها باید فعالیتهای کشاورزی و غیر کشاورزی که زنان در آنها درگیر هستند و پتانسیل تواناییهای منطقه شناسایی شده و بهترین زمینه فعالیت برای شرکت تعاونی تعیین شود و با اهداف واضح و مشخص اقدام به تشکیل تعاونی کرد.

۴- باید طوری برنامه ریزی شود که برای تشکیل این تعاونیها از تسهیلات و امکانات زیر بنایی دیگر تعاونیهای روستایی موجود استفاده شود تا در مصرف منابع صرفه جویی شود.

۵- باید تعاونیهای زنان روستایی موفق و ناموفق موجود در داخل و خارج کشور از جوانب گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بررسی شده و از تجربیات آنها در تشکیل تعاونیهای جدید استفاده شود.

۶- همزمان با ایجاد این تعاونیها، زنان را برای مشارکت در تعاونیهای روستایی و کشاورزی موجود (مختلط) تشویق کنیم.